

# درد که کسی را نمی کشد

پنج جستار درباره‌ی گم‌شده‌های خلوت و شلوغی

جانانان فریزن | ترجمه‌ی ناصر فرزین فر



## ﴿ فهرست ﴾

- سخن مترجم ۱۳ نوشتن از شرم
- درد که کسی رانمی‌کشد ۲۵ چگونه در عصر اینترنت عشق بورزیم؟
- فقط زنگ زدم که بگم دوستت دارم ۳۹ جایی برای خلوت نیست
- اصلاً به زحمتش می‌ارزه؟ ۶۱ نترسید! رمان نخواهد مرد
- دیوید فاستر والاس (۱۹۶۲-۲۰۰۸) ۱۱۱ برایم داستانی تعریف کن
- از کجا معلوم خود تو شیطان نباشی؟ ۱۱۹ چیزی نجات بخش تراز داستان هست؟

## پیش‌گفتار

«نمی‌شود الکی فک بزنی و از مخمصه در بروی؛ دو دقیقه‌ی دیگر می‌رسم به صفحه‌ی آخر و اگر حرف حسابی برای گفتن نداشته باشی، دستت رو خواهد شد.» با خواندن چنین جمله‌ای وسط یک مقاله تعریف‌مان را از مقاله گم می‌کنیم. پیش‌فرض ما درباره‌ی مقاله این است که رسمی، عصاقورت داده و خشک پیش‌برود و نشانه‌ای از دنیای شخصی نویسنده در آن نباشد اما مقاله‌ها هم دنیای تازه‌ی خودشان را دارند و به فرم‌های خلاق و بدیع درآمدند. گاهی چنان خوب نوشته می‌شوند که تجربه‌ی شیرین خواندن رمان‌های پرشور را برای خواننده زنده می‌کنند.

جستارهای روایی چنین حال و هوایی دارند. جستار روایی متنی غیرداستانی است که سبکی دلنشین، ساختاری ظاهراً ولنگار، لحنی شبیه زبان شفاهی، و گاهی چاشنی طنز ظریفی دارد و با استفاده از داستان یا ساختار داستانی، روایت نویسنده را از مبحثی که کمتر به آن پرداخته شده، ارائه می‌دهد. به عبارتی، نویسنده‌ی جستار روایی با استفاده از اکسیر هنر، فرم لذت‌بخشی می‌آفریند و مضمون مقاله را به گونه‌ای نو و با هدفی متفاوت ارائه می‌دهد.